

درباره فیلم «لانتوری» رضا درمیشیان

تجربه تماشا با تماشاچیان غربی



- در جستواره فیلم «کارلوسی واری» خیلی علاقه داشتم فیلم «الانتوری»، تنها نماینده ایران در دوره پنجاهویکم جستواره را ببینم. نه به خاطر اینکه فیلم را ندیده بودم، بلکه این بار برای اینکه می خواستم به جای تماشا فیلم، واکنش تماشاگران را رصد کنم. در واقع فیلم، کنجگاو بودم بینم مخاطب غریبی، وقتی با آن سکانس های تلخ پس از اسیدپاشی، به ویژه جریان چکاندن اسید در چشم های فرد مجرم (با بازی نوبد محمدراده) مواجه می شود، چه واکنشی خواهد داشت؟ حسم این بود که تعداد فاکتور توجهی از آنان، فیلم را پس بزنند.
- طبق برنامه ریزی ام، وقتی به کارلوسی واری رسیدم، روز پنجم جستواره بود و نیمی از جستواره را تا پایان آن پیش رو داشتم. اتفاقاً شنیدم رضا درهیشیان، (کارگردان) و مریم بالیزان (بازیگر)، هم همین موقع به جستواره رسیده اند. دو نمایش لاتوری همراهی شده بود و نمایش سوم آن در آنجا روز ششم جستواره بود. در سالن مجلل «ساروندی» دام، با حدود ۲۰۰ نفر ظرفیت.

وقتی به سالن وارد شدم، کیپ تا کیپ صندلی‌ها پر بودند. درمیان و بالیزان طبق می‌نایم، به حضار خوشامد گفتند و همان‌جا به دقیقه سکوت به احترام عباس کیارستمی که روز روز پیش از آن درگذشته بود، قبل از نمایش فیلم انجام شد. فیلم آغاز شد و پیش رفت. به صحنه اسیدپاشی و جریان‌های پس از آنکه رسید، منظر بودم برآورد کمند نفر از مذاکراتی که در فضای به‌مراتب آرام‌تر از ما زندگی می‌کند و با آن شلوارک‌ها و راحتی رفتارهای فردی و جمعی‌شان، انگار سینما را بیش از هر چیز، برای تفریح ذهن و جسم می‌خواهند، سالن را ترک می‌کنند.



دو، سه نفری را که با هم سالن را ترک کردند. در این آثار نمی‌شد به حساب آورد، چون در همه نمایش‌ها، تعدادی از تماشاگران به هر دلیل، که عموماً شخصی برای رسیدن به نمایشی دیگر در سالن سینمایی دورتر بود، سالن را ترک می‌کردند. به سه سکانس لحظه چکاندن قطره‌های اسید در پنجم بازیگر نقش مجرم فیلم رسیدیم. در آن هنگام نوبت یکی دیگر از پیش‌بینی‌های ما بهتر است بگوییم احتمالاً هایم بود که جامه تحقق به خود بینند. در جشنواره فیلم فجر، «اتوری» به در پردیس گوروش، با مخاطبان عمومی دیدار نمود. در آن لحظه‌ها، در سالن کاملاً همه‌مه شد و صوا‌هالی شبیه به ای‌ای شنیده می‌شد که نشان‌دهنده واکنش تماشاگران به اضطراب‌ناشی از این سکانس بود. اما در جشنواره «کارلووی واری» این سکانس به سکوت کامل تماشاگران خدایه یافت.

آنها که در جشنواره‌ها حضور داشته‌اند، می‌دانند معمولاً در بخش پرسش و پاسخ فیلم‌ها، فقط خبرنگاران در سالن، می‌مانند. پس از پایان نمایش انستوری، دست‌کم یک‌سوم تماشاگران در سالن مانند تا احتمالاً بپینند و بشوند سازندگان آن درباره این اثر تکان‌دهنده - و قضا به آنها تکان‌دهنده‌تر - می‌پویند. شاید حتی آرامی داشته باشند. بیشتر تماشاگر تعجبی توأم با تحسین بودند. علاوه بر کارگردان جوان فیلم، (رضا درمیشیان)، بازیگر نقش مریم، (مریم پاییزیان) هم خیلی توجه و تحسین خبرنگاران و دیگر حاضران در نشست خبری را به خود جلب کرده بود؛ این‌را از قضا و خیر سؤال‌هاشان هم بد شد کرد.

موقع خروج از سالن، با آقای درمیشیان روی پله‌ها هم‌قدم شده بودم و از تحسین از میزان استقبال تماشاچیان حاضر در سالن می‌گفتم، بیرون که رسیدیم، آقای گذر سنگ فرشی، سه میز چای و بیست و چندساله، با قهوه‌ای و عا و موهایی بلوند بلند و لباس‌های رنگی تابستانه، ایستاده بودند و به ما نگاه می‌کردند. حدس زدم می‌خواهند چیزی بگویند. وقتی مقابل آقای رسیدیم، با او خند گذاشتند و با جدیت تمام، از آقای درمیشیان تشکر کردند و از لفظ‌هایی استفاده کردند که ترجمه دقیق‌شان در فارسی وجود ندارد ولی به‌گمانم، «عالی بود» خلاصه منظور آنها می‌تواند باشد. بیش از هر چیز احساس کردم علاوه بر غربانی و غربی موضوع قبلم، تبیین مفهوم «گذشت» در آن توجه مخاطبان غربی را به خود جلب کرده است. به لائوری‌ها مهربان باشم و حرف‌شان را بشنوم.

«فاطمه معتمد آریا» در مراسم بزرگداشتش:

تمام ارزش ما به مهرورزیدن است

عسل عباسیان



فاطمه معتمدآریا بعد از دریافت لوح تقدیری که به بهانه سال‌ها مقاومت و ایستادگی‌اش در عرصه سینما و فرهنگ و همچنین فعالیت‌های صلح‌طلبانه‌اش به او تقدیم شد و منقش به تصویر او و نقشه ایران بود با تشکر از برگزارکنندگان این مراسم تحلیل گفت: «می‌خواهم از دو نفر که اولین فیلم‌های ما را با آنها کار کردم: یعنی سیامک شایقی و سیروس الوند، قدردانی کنم. و همچنین از بهرام دهقانی که اولین فیلم ما را منتزاع کرد و من سینما را با داستان او آموختم».

جالب آنکه، این مراسم تجلیس با بارت صلح طلایی
متمماترآ در دست در روزهایی برگزار شد که او از سفری
که بهانه‌اش صلح و دوستی بود، به دلیل طولانی شدن
فیلم برداری «آباجان» به کارگردانی هاتف علیمردانی
بازماند؛ سفری به هیروشیما ژاپن که بهانه‌اش
جشنواره‌ای بود با هدف آشنایی بیشتر جهان با

ظلم‌های دوران جنگ و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی که مصادف شد با گرده‌های جهانی سالگرد بمباران اتمی در هیروشیما و ژاپن و حالا در یک عصر تابستان او در میان تشویق هم‌وطنانش از صلح و دوستی می‌گفت. فریال بهزاد -کارگردان «حریب»- پیش از تقدیر از نقش آفرین «گیلان» گفت: «این تقدیر امشب ما از فاطمه معتمدزادها به سبب همین است که در برابر می‌میری‌ها از خود بزرگ داده؛ این معتمدزادها پاسخ به تعبیر، یا بیان اینکه هرگز از «انسان‌ها»

بی‌مهری ندیده، گفت: «تمام ارزش ما به مهری است که به همدیگر می‌ورزیم و اگر کسی این مهر را نمی‌بیند یا آن را دریغ می‌کند، دیگر نامش انسان نیست و باید به حالش حسرت خورد و برایش دلسوزی کرد که از نعمت بزرگ انسان بودن محروم است». پس از این جملات، حاضران، چند دقیقه ایستاده برای زنی که

«کروماکی» تمدید شد

شرق: اجرای نمایش «کروماکی» با طراحی و کارگردانی مارین ون هولک تمدید شد. اجرای نمایش «کروماکی» از ۳۰ مرداد تا هفته دوم شهریورماه تمدید شد. «کروماکی» با طراحی و کارگردانی مارین ون هولک از ۲۵ تیرماه تا ۱۵ مرداد هر شب ساعت ۱۹:۳۰ و ۲۱:۳۰ در خانه نمایش «دا» روی صحنه رفت. بازیگران این نمایش به ترتیب حروف الفبا: بابک بیکزاده، خسرو پسیانی، نگین تبرا، حمید تقی‌پار، دنیا خاقدی، مینا درودیان، امیرحسین طاهری، شهریار فرد، پریسا محمدی، مینا ملک‌جمدی و میثم میرزایی هستند. «کروماکی» کار مشترکی با کشور هلند و با همکاری کمپانی «است» با گروه «کمپانی هنرهای اجرایی ویرگول» و همچنین خانه نمایش «دا» است.

«ایده‌ها» نمایشگاه می‌گذارند

شرق: گروه هنری ایده‌ها، نمایشگاهی از آثار تلافیقی عکاسی- نقاشی- تصویرسازی برگزار می‌کند. این نمایشگاه با حضور لایلا سیفی (نقاش و تصویرگر)، حمیدرضا سیفی (عکاس)، صدرا باقری (عکاس) و بهران تنکابنی با همکاری گالری ایرانشهر و خانه هنرمندان برگزار می‌شود. افتتاحیه این نمایشگاه شنبه، ۳۰ مرداد ساعت ۱۷ تا ۲۱ خواهد بود. این نمایشگاه از ۳۰ مرداد تا ۳۰ شهریور ساعت ۱۰ تا ۲۳ در گالری ایرانشهر به نشانی تهران، ضلع شرقی خانه هنرمندان ایران، تماشاخانه ایرانشهر، طبقه دوم میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. این گروه پاییز اسفند نمایشگاه دیگری در نازک‌خانه پردیس واقع در باغ‌موزه هنر ایرانی برگزار خواهند کرد.

رؤیاهای بربادرفته «سرافراز»

عمر کوتاه «کوچک سازی» در صداوسیما

کیفیت‌سازی برنامه‌های رسانه ملی بود. مجید حسینی، کارشناس رسانه، در گفت‌وگو با «شرق» از همین تغییرات صحبت کرد. او در صحبت‌هایش به عنوان‌بودن تصمیم‌سرافراز در کوچک‌سازی رسانه ملی اشاره کرد و گفت: «برخی از شبکه‌هایی که در آن زمان حذف یا ادغام شدند، مخاطبان خاص خود را داشت و شائبی که بابت این تغییرات لحاظ شد، کمی عجیب بود. علاوه بر اینکه تغییرات جدید و برگرداندن همان شبکه‌ها نیز نبود است.» او ادامه داد: «این امری بدیهی است که شبکه‌ها برای لازم برنی مخاطبانش می‌شود و تأمین شبکه‌ها نیز بازگردان همان شبکه‌هایی است و صدایم‌هنوز هم گرفتار مشکلات مالی است و به نظر می‌رسد حذف یا برگرداندن شبکه‌ها اتفاقی است که تأثیری بر کیفیت برنامه شبکه‌ها نخواهد داشت. مدت‌ها قبل از تأسیس دو شبکه الوند و جام‌جم صحبت می‌کردند؛ دو شبکه با مأموریت‌های مختلف که هرکدام کاتال‌های شخصی داشته باشند. حقیقت این است که الان کاتال‌های زیادی داریم، کاتال‌هایی که نمی‌توان آنها را فیسک‌دانست و مثلاً اگر شبکه‌ای مسئولیت پخش سریال‌های تلویزیونی را دارد، برای برگردن آنتنش مجبور است که مسابقه یا مستند یا برنامه‌های ترکیبی نیز پخش کند و مأموریت‌ها شبک‌دقیقا مشخص نیست.» حسینی‌از افزود: «رسانه‌سریال‌های جذاب از آن دست اتفاقاتی است که می‌تواند برخی از مخاطبان تلویزیون را برگرداند؛ اما این روزها می‌بینم که شبکه نمایش خانگی روزی ر‌قاب‌ت را از تلویزیون بروده و سریال‌های پرمخاطبی تولید می‌شود و مشکلاتی شبیه می‌ریزی با نبود بودجه مشکلات بسیاری ایجاد کرده است.» افت کیفیت برنامه‌ها از عمده‌ترین انتقادهای مخاطبان از رسانه ملی است و نتیجه تلاش مدیران این حوزه در این‌باره، آن‌طور که باید، نتیجه‌بخاش نبوده است.

بهزاد شیربانی: «از نظر ما تلفیق دو شبکه «تماشا» و «تمایش»، به جذابیت برنامه‌ها کمک زیادی خواهد کرد؛» این بخشی از گفت‌وگوی علی‌اصغر پورمحمدی است که گفت‌وگو با روزنامه «شرق» چند هفته‌ای بعد از ورودش به ساختمان تماشای هاجم، در همان راستاست. محمد سرافراز بود؛ شبکه‌ای که کوچک‌ساز تلویزیون از اولویت‌های رئیس پیشین صداوسیما محسوب می‌شد، به نظر می‌رسید در شرایط اقتصادی نامناسب تلویزیون این راهکار قطعا تأثیری بر روند بهبودی شرایط خواهد داشت. محمد سرافراز معتقد بود ادغام شبکه‌ها در هم باعث کیفی‌سازی برنامه‌های شبکه‌های مختلف می‌شود. و البته شبکه‌هایی که مخاطبان کمی دارند یا به نوعی موازی محسوب می‌شوند؛ یا باید در هم ادغام شوند و یا از گردونه پخش حذف شوند. مدتی است که سرافراز صندلی ریاست سازمان صداوسیما را ترک کرده است و علی‌عسگری دوران مدیریتش را با تغییراتی گسترده آغاز کرده است. جدا از تغییرات مدیریتی در بخش‌های مختلف، برگرداندن شبکه‌هایی که در دوران گذشته ادغام شده بودند؛ ازجمله نکاتی است که توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. در تغییرات جدید، شبکه «شما» با مدیریت محمد مهدی قاسمی به رسانه ملی بازگشت؛ شبکه تهران نیز از جمله شبکه‌هایی است که در این مدت دچار تغییرات زیادی است و بعد از چندین ماه فعالیت منحل شد و این‌پس شبکه پیشی چندمهدار، ناموریت‌های این شبکه خواهد بود. شبکه «منش» نیز ازجمله شبکه‌هایی است که بار دیگر به آنتن تلویزیون بازگشت. چند ماه پیش، زمانی که محمد سرافراز ادغام شبکه‌ها را یک راه‌حل‌های اساسی برون‌رفت تلویزیون از شرایط نامطلوب اقتصادی و کیفی‌سازی می‌دانست، بسیاری از کارشناسان رسانه به ادغام زودهنگام شبکه‌ها خوش‌بین نبودند و تصور عموم راه‌حل مناسب‌تری برای

فلسفه و ادبیات رمانتیک آلمانی

بدون این دو راه نمی‌افتاد. شیلر و گوته جوان هم در جنبش توفان و تنگنا پیش‌قراول جنبش رمانتیک بوده‌اند. رنج‌های ورتر جوان، راه‌زنان و برخی نمایش‌نامه‌های دیگر این دو، بستر اصلی ظهور این جنبش هستند.

با تکیه بر همین آثار، گفتمان درونی آنها تحلیل و چگونگی به هم پیوستن این دو جریان در جنبش نهایی رمانتیک بررسی می‌شود. در بخش‌های بعد به اندیشمندانی چون هامان، فیشته، شلینگ،

روشی «فلسفه و ادبیات رمانتیک آلمانی» با تدریس نوش در ۱۰ جلسه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار
 وده آموزشی، رمانتیسم آلمانی با تأکید بر ارتباط
 آشنایی با برجسته‌ترین نمایندگان و آثارشان بررسی
 نحوه شکل‌گیری این جنبش با تمرکز بر اندیشه‌های
 سوئی و شلر و گوته جوان از سوی دیگر تشریح
 و و کانت هیچ‌یک رمانتیک نبوده‌اند، ولی این جنبش

با حضور پور حسینی و محب اهری

دومین جشنواره «سینما مدرسه» افتتاح می‌شود

- **شرق:** دومین جشنواره «سینما مدرسه» دیشب ۲۶ مرداد با حضور بهزاد فراهانی دبیر جشنواره، پرویز پورحسینی و حسین مجبهری با نمایش فیلم «صبح روز بعد» کیومرث پوراحمد افتتاح شد. به گزارش روابطعمومی مجتمع فرهنگی آموزشی علامه طباطبائی نخستین شب از دومین جشنواره «سینما مدرسه» دیشب ۲۶ مرداد با حضور دبیر جشنواره بهزاد فراهانی و هنرمندان پیشکسوت عرصه سینما، تئاتر و تلویزیون، آقایان پرویز پورحسینی و حسین مجبهری برگزار شد. در نخستین شب جشنواره، فیلم «صبح روز بعد» ساخته کیومرث پوراحمد اثر «ویس از آن جلسه نقد و بررسی فیلم برگزار شد. پیشتر قرار بود کیومرث پوراحمد به‌عنوان کارگردان فیلم مذکور در این جشنواره حضور داشته باشد که به دلیل ضایعه درگذشت یکی از نزدیکانش و حضورنافتن در این جشنواره از حضار درخواستی کرد. گفتنی است این جشنواره در سه شب متوالی از تاریخ ۲۶ مرداد آغاز شده و ۲۸ تا مرداد در سالن تئاتر مجتمع فرهنگی آموزشی علامه طباطبائی واقع در بزرگراه انزلی، انتهای ستاری شمالی، دوربرگردان جنوبی، خروجی دوم، خیابان شعر، پلاک ۱۷ از ساعت ۱۹:۰۰ تا ۲۲:۰۰ برگزار می‌شود. حضور برای این جشنواره برای عموم رایگان است. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی www.mat.ir مراجعه فرمایید.

ادامه از صفحه ۱۱

افق انتظارات زیبایی شناسانه
«امجد»

اما بی‌هیچ تردیدی باید گفت مشکل‌ترین نقش‌ها به عهده سه خواهر است که ماجرای محوری ریشه‌ها را به سه خواهر خجوف پیوند می‌دهند. این پیوند را نباید حرکتی ساده و سرراست تلقی کرد، بلکه رخدادی است کیفی که لازمه آن گذار از دورانی به دوران دیگر و فرهنگی به فرهنگ دیگر است. هرمنیوس به سه خواهر که به وسیله خادم ریحانه سلامت، معصومه رحمانی و مارال آتشی نقش‌آفرینی می‌شوند در این است که می‌کوشند مرز میان گذشته و حال را با بازی دلبیزی از میان بردارند. مهارت ایشان در ارائه این بازی دلبیزی زمانی به تصویر می‌آید که نمایش ما را با مورد «دور» از «دور هرمنوتیک» می‌وهره می‌کند. منظور از «دور» هرمنوتیک «با تعبیری از آن، چنان‌که مارتین هایدگر عنوان کرده است افزودن لایه معنایی تازه‌ای است به برداشت نخستین از اثر. این ویژگی زمانی در «سه خواهر و دیگران» پیش می‌آید که خانم بهنوش بختیار با شععی عرض صحنه را می‌پیماید. همه زمان ایشان در کوتاه به نمایش‌نامه «مکب» می‌شود. در این پیوندی یکی از غنی‌ترین لحظات نمایش تحقق می‌پذیرد. ای‌ای ریچاردز لحظه‌ای را در هنر لحظه ناب تلقی می‌کند که بتواند با حداقل آثار حداثت تجربیات مخاطب را زنده کند. با دیدن خانم بختیار در نقش بانو مکب و اشاره به این نمایش‌نامه، مکب به سه صحنه کشیده می‌شود. کلید این رویداد در شععی است که خانم بهنوش بختیار با در نقش بانو مکب ظاهر می‌کند. کسانی که نمایش‌نامه «مکب» را خوانده‌اند با اجرای آن را روی صحنه دیده‌اند، می‌روشنایی ترکیبی از ندهادهای عمده آن تنش میان دو دنیای تاریکی است که با تکیه بر آن، در سه شبگیر توانسته است فضای دراماتیک این اثر را در چند لحظه حساس به اوج رساند. در نمایش «سه خواهر و دیگران» نیز همین پیشامد رخ می‌دهد. منظور از «دور هرمنوتیک» در این گستره این است که با دریافت این لحظه بسیار فشرده و سرشار از معنا، ذهن تماشاچی به آغاز نمایش بازی‌گردی کل اجرا با تمام جزئیات آن را با ناهای تاریکی از نظر می‌گذراند. همه این دریافت که تاثر حاصل کلی کوشش جمعی است. بررسی هریک از اجزای آن، به‌ویژه در این نمایش که با یک‌بار بسیاری از بازیگران موجودیت یافته است، با شکم‌باردین در نوشته حاضر برپای امکان‌پذیر نیست. همین کافی است که بگوییم هریک از بازیگران هم‌زمان با آنکه ابزاری برای ارتقای سایر بازیگران به شمار می‌رفت، به‌گونه‌ای روی صحنه آشکار می‌شد و به بازی می‌پرداخت که انگار در جایگاه هدف غایی کل نمایش قرار دارد. آخرین مهارت در کارگردانی و نقش‌آفرینی جلوه نمایان خود را در پایان کار به نمایش گذاشتن، به این معنا که کارگردان و همکاران توانستند جریان‌های پراکنده روایت را در لحظه وحدت‌آفرینی از نمایش به هم پیوند زنند.

در پرداخت به چیزهای تاریخی این آماده‌سازی به کار رفته شده بگونه‌ای که نیز ابتکاری را که در آماده کردن دکور برای انگلیزین و به‌طور کلی به‌طور کلی‌تری نمایش شگوفاشده ناپدید انگلیزیم، آنچه درباره نمایش «سه خواهر» و دیگران» در دسترس دارم، خود به‌تفاهلی به‌دیه قبلی است که می‌تواند من را بدست پریش دوستان فرهنگ‌دوستم در آمریکا باز گرداند. برای این هدیه از خانم سعیده آشتیانشان، تهیه‌کننده این نمایش و گروه تئاتر پریشان که این فرصت اعتلا بخش را برایم فراهم کردند، تشکر می‌کنم.